







« مفاهیم قرآن از زبان قرآن: »

جلسه هشتم – دور یازدهم – ۱ خرداد ۱۴۰۱



در محضر سورۂ سبا:

بخش اول آیه ۴۶:



قُلْ:

أَنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَأَحَدِهِ

... (سبأ/٤٦)

بگو من شما را فقط یک موعظه می کنم

پرسش ۱:



«مورد: ۴۹۲»:

«موعظه» یعنی چه؟



در فرهنگ قرآنی، « **موعظه** » با:

إظهار نظر، دعوت، نصیحت، دلسوزی، پند، اندرز،

و با ایرادگیری، عیب‌جویی، تحقیر و اهانت فرق دارد.

« ایرادگیری، عیب‌جویی، تحقیر و اهانت »،

از ردائل اخلاقی و مخرب^۳‌باند و مفید نیستند. **موعظه**:

۱- حُکمی « زیربنائی » و بسیار مهم است:

قُلْ: إِنَّمَا أُعْطِیْتُكُمْ بِوَاحِدَةٍ...

(سبأ/۴۶)

بگو من شما را فقط به یک چیز حُکم می‌کنم ...

۲- « **موعظه** » در فرهنگ قرآنی،

« **همه مردم** » را به:

بیداری، تفکر، تعقل، توجه به خدا و تعبّد می‌کشاند:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ؛

قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ ... (یونس/۵۷)

۲- « **موعظه** » ابلاغی حکیمانه و « **الهی** »،

برای « **درمان** » ذهن‌گرائی افراد بشر است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ؛ قَدْ جَاءَتْكُمْ **مَوْعِظَةٌ** مِّنْ **رَّبِّكُمْ**

وَّ **شِفَاءٌ** لِّمَا فِي **الْصُّدُورِ** وَ ... (یونس/۵۷)

ای مردم برایتان از نزد خدایتان دستورالعمل و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست آمده ...

۴- حُکمی « **ثابت** و **کُلّی** و **فراگیر** » است:

(پس کاری به جزئیات و فرعیات ندارد.)

وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَنْوَاحِ

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً ... (أعراف/۱۴۵)

پس « **موعظه** »، ابلاغی خالی از:

هر گونه « تحقیر، توهین، سرزنش و بی احترامی » است،

که « حقوق اصلی و تکالیف کلی » افراد جامعه را روشن می کند،

و « **توجه** » آنها را به « **نیازی خیلی مهم** »،

(مثل: تفکر و مشرک نبودن و شاکر بودن و مباشرت، ...)،

و « ضرورت **رفع موانع** »، « **جلب** » می کند.

پرسی ۲:



« موعظه » برای کیست؟

اولا: ارائه « **موعظه** »،

تلاشی برای « **إصلاحِ نگاهِ تمامِ افراد** » است،

و منحصر به « **یک نفر** » (مثل شوهر یا زن یا فرزند) نیست،

و والدین و خطبا و رسانه‌ها و مراکز آموزشی هم

در تفهیم آن ضرورت به آحاد مردم، مسئولیت دارند.

ثانیا: هر « واعظی » باید « **قبل** » از مخاطبین،

با احترام به آن موعظه، « خودش » به آن « عمل کند. »

بنابراین با موعظه « هر واعظی »،

باید نگاه و گفتار و رفتارِ « **گوینده** و **شنونده** »،

عاقلا نه و مؤمنانه، « **إصلاح** » شود.

پریشی ۳:



« قیام » یعنی چہ؟

« **قیام** » یعنی:

بیداری و خیزشِ انقلابی پایدار و مداوم،
برای استقرارِ « **حقّ و عدالت و امنیت** »،
و محوِ « **باطل و ظلم و جور** » در جامعه.

بخش دوم آیه ۴۶:



قُلْ: إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ

أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَىٰ شَاخٍ وَفُرَادَىٰ

.... (سبأ/۴۶)

... اینکه دو به دو و تنهایی برای خدا قیام کنید ...

پرسش ۴:



«مورد: ۴۹۳»:

«قیام الله» یعنی چه؟



تمامِ « اقدامات » و « تلاش‌های » افرادِ بشر،

از « دو حالت » خارج نیست:

یا « مطابقِ تعالیم و شریعتِ **خالق** »،

و یا به « دلخواهِ **خود** و نظرِ **مخلوق** » است،

و « فرضِ دیگری » برای آنها قابلِ تصوّر نیست.

حضرت « امام خمینی » رحمه الله عليه،

« قیامِ **لله** » را

سراغاز حرکت انسان به سوی « کمال » می‌دانند،

که باید در **تمام** شئون زندگی فردی و اجتماعی فرد،

تبلور پیدا کند. ایشان می‌فرمایند:

« همه چیز و همه مسائل از اینجا شروع می شود که:

« **قیام** **لله** » باشد،

اینکه انسان نهضت کند برای خدا،

و از این خواب بیدار شود و بایستد برای خدا،

بگو: بلند شوید از جا برای خدا و برای خدا راه بیفتید ... »

حضرتِ «امام خمینی» رحمه الله عليه،

فرقِ «قیامِ **لله**» با «قیام برای **غیرِ خدا**» را

در «پشتوانه» آن می‌دانند،

که «قدرتِ **الهی**» است،

که ³⁰هیچ قدرتِ نظامی و بشری، توانِ مقابله با آنرا ندارد.

ایشان می‌فرمایند: موفقیت تمام انبیاء در مبارزه با طواغیت،
فقط « **قیام لله** » بوده ...

قیام برای خدا بود که ابراهیم خلیل الرحمن را به منزل **خَلَّت** رساند،
و از جلوه‌های گوناگون عالم طبیعت **رهانید** ...

قیام لله بود که موسی کلیم را با یک عصا به فرعونیان **چیره** کرد،
و تمام تخت و تاج آنها را به باد فنا داد و او را به **میقات** محبوب رساند،
قیام لله بود که خاتم النبیین صلی الله علیه و آله را بر تمام عادات و عقاید
جاهلیت غلبه داد و بتها را از خانه خدا برانداخت و به جای آن توحید و
تقوا را گذاشت و آن ذات مقدّس را به مقامِ قابِ قوسینِ او **أَدْنَى** رساند.

حضرت امام رحمه الله عليه، می فرمایند:

در « **قیامِ الله** »، « **شکست** »، « **معنا** » **ندارد**.

ایشان می فرمایند:

تمامی نهضت‌های الهی اگر چه گاهی متحمل شکست می‌شدند،

اما شکست آنها به « **حَسَبَ ظَاهِرٍ بُوْدَه** »،

و در « **حقیقت** »، آنان شکست نمی‌خوردند.

شکست حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه، در جنگ با معاویه،

شکستِ صوری بود و شکستِ حقیقی نبود چون **قیامِ** **لله** بود.

تا امروز و تا ابد هم آن حضرت غالب و پیروز است ...

کشته شدن سید الشهداء صلوات الله علیه هم،

شکست نبود چون قیام لله بود، قیام لله شکست ندارد.

بخش سوم آیه ۴۶:



قُلْ: إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَىٰ خَمْسَةٍ وَفَرَادَىٰ

ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا

.... (سبأ/۴۶)

... برای خدا قیام کنید سپس بیندیشید ...

پرسشی ۵:



» مورد: ۴۹۴ «:

» تفکر^۳ « یعنی چه؟



« تفکر » یعنی:

« حلاجی » کردنِ « مسائلِ » زندگی،

و « پرسش و پاسخ » از:

« بدیهیات عقلی »، برای:





برای: «**بررسی** **X** کشف



برای: « کشفِ روابطِ



برای: « کشف روابط منطقی



برای: « کشف روابطِ منطقی و نامرئی »

برای: « **کشف روابطِ منطقی** و **نامرئی** »،

میانِ: **معلومات مادی** و **تصاویر ذهنی**،

و « **فهمِ اسرار** و پشت صحنهٔ **آفرینش** »،

برای « **تشخیص نقش** و **وظیفهٔ خود** ». »

پس « **تفکر** »،

انسان را از « **محسوسات** »،

به « **معقول** » و به:

گفتار و رفتار « **منطقی و مفید** » می‌رساند.

« تمامِ مردم » نیازمند تفکر^س اند:

... وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ **لِتُبَيِّنَ** **لِلنَّاسِ**

مَا نَزَلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ **يَتَفَكَّرُونَ** (نحل/٤٤)

... وَ تِلْكَ **الْأَمْثَالُ** نَضْرِبُهَا **لِلنَّاسِ**

لَعَلَّهُمْ **يَتَفَكَّرُونَ** (حشر/٢١)

« تفکر » از مطالباتِ الهی است:

... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ

أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ؟ (أنعام/ ٥٠)

* أَفَلَا يَنْظُرُونَ؟ * أَفَلَا تَعْقِلُونَ؟ * أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ؟ * أَفَلَا تَتَّقُونَ؟ * أَفَلَا يَرَوْنَ؟ *

* أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ؟ * أَفَلَا تَذَكَّرُونَ؟ * أَفَلَا يُؤْمِنُونَ؟ * أَفَلَا يَتُوبُونَ؟ * أَفَلَا يَعْلَمُونَ؟ *

* أَفَلَا تَسْمَعُونَ؟ * أَفَلَا يُبْصِرُونَ؟ * أَفَلَا يَشْكُرُونَ؟ * أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا؟ *

خداوند «لوازمِ تفکر» را
فراهم نموده است:

... كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (بقره/٢١٩)

... كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (بقره/٢٦٦)

... فَأَقْصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (أعراف/١٧٦)

... كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (يونس/٢٤)

... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (رعد/٣)(روم/٢١)(زمر/٤٢)(جاثيه/١٣)

... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (نحل/١١)(نحل/٦٩)

مهمترین رفتار «اولوالالباب»:

١- يَذْكُرُونَ اللَّهَ

قِيَامًا وَ قُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ،

٢- وَيَتَفَكَّرُونَ

فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... (آل عمران/ ١٩١)

... لأُولَى الْأَنْبَابِ

(١٩٠) الَّذِينَ:

پریشانی



« ثمراتِ تفکر » کدامند؟

« تفکر^۳ »:

« ذهن^۳ » و « نگاه^۳ » انسان را

« یکپارچه^۳ و منسجم^۳ » می کند،

و از « پراکندگی^۳ و تحیر^۳ » می رهانند.

پس «**تفکر**»، انسان را از:

«**کثرت**» و «**جزء نگری**»،

به «**وحدت**» و «**کل نگری**»

می‌رساند. (مانند: سی مرغ = سیمرغ)

به عبارت دیگر «**تفکر**»،

«**بارِ علم و دانش**» انسان را

به «**معرفت و بینشی عمل آفرین**»،

متحوّل می کند:



« دانش » (= بار) < « ینش » (= عمل آفرین)

پس « **تفکر** »، انسان را از:

« **جهان احساسی** »،

به « **جهان بینی موحّدانه** »،

و « **زندگی مؤمنانه** »، می‌رساند.

لذا به فرمودهٔ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله،

هیچ «عبادتی»،

با ارزش‌تر از «تفکر» نیست:

«لا عبادَهَ حَتَّى التَّفْکَرُ»

پرستی ۷:



رابط « قیام لله » با « تفکر » چیست؟

« **تفکر** »، فقط با تکیه بر « **مبانی عقلی** » می‌تواند،

« **باورهای** » انسان را به « **ایمانی پایدار** » تبدیل،

و آنها را در « **تمام ابعاد زندگی** » او « **کاربردی** » کند،

و او را از « **أوهام و حُجب و انگاره‌های ذهنی** »،

و « **عادات و رسوم و إلقائاتِ کفار و منافقین** » برهاند.

پس ⁶⁴ « **تفکر** » بدون إتكاء به « **عقل موحدانه** »، مفید نیست.

حضرتِ امام جعفر صادق صلوات الله علیه در شروع خواندن قرآن می‌فرمایند:

.... اللهم؛ فاجعل نظری فيه عبادةً،

و «قرائتی فيه فکرا»

و «فکری فيه إعتباراً» (بحار/ج ۹۲/ص ۲۰۷)

خدایا؛ «نگاهم» را در آن، «عبادت» و «قرائتم» را منشاء «تفکر»،
و «تفکرم» را در آن، اسبابِ «عبرت‌آموزی» قرار ده.

« انسان »

فقط با « تفکر مؤمنانه » می تواند،

به « علم الیقین » دست پیدا کند،

و « غیب و آخرت و حق » را بفهمد و ببیند:

... لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (۵)

تَتَرَوْنَ الْجَحِيمَ (۶)

لَهُ تَتَرَوْنَهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (تکاثر/۷)

* ... اگر به علمِ یقینی برسید * حتماً دوزخ را می بینید *
* سپس آن را قطعاً با « عین الیقین » درمی یابید. *

پرستی ۸:



«تفکر» در «چی»؟

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ

مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى

وَإِنْ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ (روم/ ۸)

آیا در خودشان به تفکر نپرداخته‌اند؟ (تا بفهمند که:)

خداوند آسمانها و زمین و عناصر میان آنها را به حق و تا وقتی معین آفریده؟
اما بسیاری از مردم (چون خودشناسی ندارند) مُنکر ملاقاتِ خدایشان هستند.

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا؟

مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جَنَّةٍ

إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ (أعراف/۱۸۴)

آیا نیندیشیده‌اند که هم صحبت آنها هیچ جنونی ندارد؟

او جز « هشداردهنده‌ای روشنگر » نیست.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا
لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ
(روم/۲۱)

و از نشانه‌های او اینکه از خودتان همسرانی برایتان آفرید تا با آنها آرامش یابید،
و میانتان عشق و رحمت نهاد، در آن برای آنها که می‌اندیشند قطعاً آیاتی است.

طبق آیات قرآن،

باید در «آفرینش جهان، مقایسه ی اُضداد،

قصص انبیاء، خودمان و در تمام آیات،

و آیاتی مانند: زن، ازدواج، قرآن، مثالها...»

دائماً «تفکر» کنیم.

پریشانی ۹:



در تفکر، مجهول چیست؟

آن « **مجهولی** » که

باید با « **تفکر** » کشف شود،

« **نقش** و **وظائف** » خودِ ماست.



خدایا:

ما را در « **قیام** » برای **خودت**، موفق فرما،

و به اوجِ « **تفکر عاقلانه** » برسان،

تا با « **زندگی مؤمنانه** »،

در زمینه‌سازی « **ظهور** آخرین **حجت** » سهیم باشیم.

السلام عليكم و
رحمة الله وبركاته

